

فصل اول

کلیات، مفاهیم مقدماتی

و مبانی نظری

مقدمه

رسیدن به توسعه‌ی پایدار کشور، مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف دولت و ملت ایران است. برای رسیدن به وضعیت توسعه پایدار در کشور، توسعه تمامی مناطق و استان‌های کشور شرطی لازم و کافی است. اما توسعه و پیشرفت استانها به شرطی توسعه پایدار کشور را نتیجه خواهد داد که از یک سو با استعداد و پتانسیل هر استان و از سوی دیگر با دید و نگرش حفظ توازن منطقه‌ای محقق شده باشد. زیرا توسعه بدون پتانسیل امری غیر ممکن و توسعه منهای توازن منطقه‌ای نیز پایداری لازم را در خود نخواهد داشت.

در حال حاضر بدون احتساب برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی پنج برنامه اقتصادی و اجتماعی در کشور تدوین، تصویب و اجرا شده است. اما آنچه امروز شاهد هستیم این است که علی‌رغم پیشرفت و رفع محرومیت‌ها در بسیاری از جنبه‌ها، حداقل از دید توازن منطقه‌ای موفقیت‌چندانی وجود نداشته و هنوز هم استان‌های کشور به استان‌های توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته قابل تقسیم هستند. واریانس زیاد میزان مهاجرت و درآمد سرانه‌ی استانها، عدم تناسب تولید ناخالص استان‌ها و مناطق با تعداد جمعیت ساکن آنها و سایر شاخص‌ها حاکی از وجود برخی از مشکلات در این زمینه است.

استان چهارمحال و بختیاری به عنوان یکی از استان‌های ۳۱ گانه کشور به عنوان یکی از استان‌های کمتر توسعه یافته، تا کنون بنا به علل گوناگون توسعه‌ی متناسب با پتانسیل‌های خود را تجربه نکرده و این موضوع مولفه‌ای موثر در میزان عدم تحقق توسعه پایدار در کشور نیز محسوب می‌گردد. آنچه مسلم است وضعیت موجود مطلوب نبوده و برای ایجاد تغییر و رسیدن به وضعیت مطلوب می‌بایست در راستای توسعه یافتگی استان (همهانگ با کشور) اقدام گردد.

۱-۱- تعاریف، اصول و مبانی مورد نیاز

در هر مطالعه‌ای برای داشتن فهمی مشترک از موضوع، ارائه تعریف واژه‌های مورد استفاده امری لازم و ضروری است. عدم ارائه تعاریف و مفاهیم باعث خواهد شد تا هر یک از کاربران گزارش با توجه به پیشینه‌ی تحصیلی، و تجربی خویش برداشت‌های متفاوتی از واژه‌ها داشته و در نتیجه انتقال مفاهیم در بخش‌های آتی گزارش با مشکلاتی مواجه گردد. به همین دلیل در این بخش واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی و مبانی مورد استفاده در گزارش تعریف و تبیین شده است.

۱-۱-۱- توسعه

در متون علم اقتصاد از دو واژه‌ی "رشد" (*Growth*) و "توسعه" (*Development*) به کرات استفاده می‌شود. واژه رشد قدمتی دیرینه داشته و سابقه‌ی آن به چند قرن برمی‌گردد. واژه توسعه واژه‌ای است که بعد از جنگ جهانی دوم و دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی مورد استفاده اندیشمندان و کارشناسان قرار گرفت. خرابی‌های ناشی از جنگ و ضرورت بازسازی خرابی‌ها و ایجاد رفاه در کشورهای درگیر جنگ جهانی و عقب‌ماندگی سایر کشورهای جهان در اواسط قرن بیستم، در شکل‌گیری و ترویج مفهوم "توسعه" اثر شایان توجهی داشته است.

از زمان ظهور واژه توسعه تا حال سه نگرش به مفهوم توسعه وجود داشته است:

- **نگرش اول:** این نگرش که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ حاکم بود دلیل عدم توسعه‌یافتگی در کشورهای توسعه نیافته را عدم تولید کافی، و "پدیده‌ی دور باطل فقر" می‌دانست و راه رسیدن به توسعه را انباشت سرمایه، افزایش تولید و تحقق رشد اقتصادی حداقل ۵ درصدی می‌دانست. و به طور تلویحی رشد را معادل با توسعه قلمداد می‌نمود.

برنامه‌ریزی ناشی از این نگرش در بسیاری از کشورها منتج به افزایش تولید و تحقق رشد اقتصادی مورد نظر گردید. ولی در همین زمان مردم چنین کشورهایی علی‌رغم عبور از پدیده‌ی دور باطل

فقر با پديده‌ي ناخوشايند "فاصله طبقاتي" مواجه شدند. از اين رو نگاهی جديد به مفهوم توسعه پا به عرصه ظهور گذاشت.

• **نگرش دوم:** در نگرش دوم به توسعه، توسعه معادل با رشد اقتصادي توأم با توزيع عادلانه ثروت معرفي گرديد. اين نگرش در خلال سالهاي ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ نگرشي مقبول در بين انديشمندان جهان بود.

• **نگرش سوم:** از سال ۱۹۷۵ برخي نظريه‌پردازان برداشت‌هاي جديد از مفهوم توسعه معرفي کردند. در اين نگرش نه تنها توليد ثروت و رشد اقتصادي ضامن توسعه نيست، بلکه توليد انبوه ثروت و توزيع عادلانه آن نيز نمي‌تواند منتج به توسعه گردد. از نگاه اين نظريه‌پردازان انسان ممکن است علي‌رغم غناي اقتصادي احساس خوشبختي و رفاه نداشته باشد. از منظر اين نگرش يک جامعه توسعه‌يافته داراي ويژگي‌هاي زير است:

الف) برخورداري از امکانات و تسهيلات اقتصادي

ب) برخورداري از آزادي‌هاي سياسي مثل آزادي انتخاب حکومت، آزادي بيان و...

ج) برخورداري افراد جامعه از آموزش

د) برخورداري افراد جامعه از بهداشت

ه) جريان آزاد و شفاف اطلاعات (امکان دسترسي همه افراد جامعه به اطلاعات)

و) برخورداري از نظام حمايتي کارآمد (نظام تامين اجتماعي کارآمد براي حمايت از افراد وجلوگيري از فقر)

اکنون با توجه به توضيحات داده شده شايد بتوان مفهوم توسعه را به صورت زير معرفي

نمود.

"توسعه فرآيندي است که هدف آن بهبود کيفيت زندگي مردم است. توسعه داراي سه جنبه مهم است:

۱. ارتقاي سطح زندگي مردم از طريق فرآيندهاي مناسب رشد اقتصادي و توزيع متوازن ثروت

۲. ایجاد زمینه و شرایط مناسب به منظور رشد و ارتقای عزت نفس مردم از طریق استقرار نظام‌ها نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که تامین و تضمین کننده‌ی شان و احترام انسان باشند.
۳. افزایش آزادی‌های مردم در انتخاب از راه ازدیاد متغیرهای انتخابی و گسترش محدوده‌ی متغیرهای انتخابی

یکی از ارکان تحقق توسعه به ویژه تحقق جنبه‌ی اقتصادی توسعه، صرف منابع و امکانات مختلف مادی است. برای تولید بیشتر مواد اولیه و انرژی بیشتری باید مصرف شود و تقریباً تنها منبع اصلی مواد اولیه و انرژی طبیعت در اختیار بشر است اما نسل امروز از یک سو وارث منابع و امکانات خدادادی به جای مانده از نسل قبل و از سوی دیگر امانت‌دار آن برای نسل آتی است. معطوف شدن به مفهوم توسعه بدون در نظر گرفتن حق نسل آینده از منابع و تخریب محیط زیست به سرعت پیامدهای خود را هویدا کرد و لذا تفکر جدیدی پدیدار گشت که در آن لزوم توجه به محیط زیست و رعایت سهم نسل‌های بعدی از منابع تجدید ناپذیر و از اصول این تفکر به شمار می‌رفت. محصول این نوع تفکر تولد مفهوم توسعه پایدار می‌باشد. که در زیر معرفی شده است.

۱-۱-۲- توسعه‌ی پایدار

در بخش قبل مفهوم توسعه معرفی گردید. پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمی‌یابد. بنابراین واژه‌ی ترکیبی توسعه‌ی پایدار را می‌توان به صورت زیر معرفی نمود.

توسعه پایدار عبارت است از بهره‌وری درست و کارآمد از منابع موجود، به کارگیری امکانات فنی و ساختارهای تشکیلاتی مناسب و استقرار الگوی مصرف مناسب به نحوی که بتوان نیازهای نسل امروز و نسل‌های آینده را به طور مستمر و رضایت‌بخشی برآورده نمود. توسعه پایدار بر سه محور اساسی زیر استوار است:

۱. حفظ منابع طبیعی و نیروی انسانی
 ۲. رشد کمی و کیفی محصولات کشاورزی، مصنوعات صنعتی و خدمات
 ۳. بهبود و ارتقای شرایط فرهنگی و رفاه اجتماعی
- رسیدن به توسعه‌ی پایدار مستلزم باورمندی بر اصول ۱۲ گانه‌ی زیر می‌باشد:
۱. تغییر تصور از قدرقدرتی انسان به موجودی در کنار سایر موجودات کره‌ی زمین
 ۲. اهمیت اکوسیستم بسیار بیشتر از درک و تصور کنونی است.
 ۳. عدالت و برابری
 ۴. آشتی توسعه و پایداری
 ۵. مشارکت و وفاق
 ۶. مردم محوری
 ۷. برنامه‌ریزی جامع
 ۸. نگرشی نظام‌مند و کل گرایانه
 ۹. ساخت بر روی آنچه که هست. (شروع از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب)
 ۱۰. انعطاف‌پذیری
 ۱۱. استفاده‌ی عاقلانه از منابع
 ۱۲. تفکر جهانی، اجرای محلی

تعریف خلاصه‌تری از توسعه‌ی پایدار، تعریف زیر است:

توسعه‌ی پایدار رسیدن به وضعیتی است که در آن نیازهای نسل حاضر بدون آسیب رسانی به توانایی نسل‌های بعدی در تامین نیازهای خود برآورده گردد.

با همه تفاوت‌هایی که در مفهوم "توسعه" وجود دارد، می‌توان گفت در تمامی نظریه‌ها و نگرش‌ها

"توسعه‌یافتگی" فرآیند تحقق جامعه آرمانی، یا از بین بردن فاصله وضعیت کنونی جامعه با وضعیت

مطلوب و آرمانی آن است. و از این منظر، توسعه‌یافتگی محصول ایجاد تغییر در وضعیت موجود (و نه محصول انتظار ایجاد تغییر) محسوب می‌گردد.

۱-۱-۳- آمار، آمارهای رسمی، آمارهای ثبتی

آنچه که درجهان هستی اتفاق می‌افتد، چه انسان دخالتی در آن داشته باشد و چه نداشته باشد، سبب ایجاد تغییر و ایجاد تغییر نیز سبب تولید داده‌های آماری می‌گردد. اگر داده‌های آماری جمع‌آوری و پردازش گردند، اقلام آماری تولید خواهد شد.

آمار: واقعیت‌هایی که به زبان عدد و رقم می‌شوند، آمار نامیده می‌شوند. تعداد افراد ساکن در یک مکان جغرافیایی، میزان مصرف سالیانه نان در یک منطقه، میزان مصرف روزانه بنزین در یک استان مثالهایی از آمار می‌باشند.

شیوه‌های تهیه و تولید آمار: برای تولید آمار لازم است داده‌های اولیه گردآوری و سپس با پردازش داده‌های گردآوری شده، اقلام آماری تولید شوند. برای گردآوری داده‌های لازم جهت تولید آمار سه روش کلی وجود دارد.

۱. سرشماری
۲. اجرای طرح نمونه‌گیری
۳. استفاده از داده‌های ثبتی

سرشماری: به معنای بررسی خصوصیات و ویژگی‌های تمام عناصر جامعه‌ی آماری و ثبت داده‌های حاصل از این بررسی. سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن که طبق قانون هر ۱۰ سال یک‌بار در کشور توسط مرکز آمار ایران اجرا می‌شود، از شناخته‌ترین سرشماری‌های در کشور می‌باشند. دقت مناسب، مقطعی بودن آمار حاصل، عدم روبرویی با خطاهای نمونه‌ای، امکان تهیه چارچوب برای تهیه

طرح‌های نمونه‌ای و هزینه بر بودن و زمان بر بودن اجرا از مهمترین ویژگی‌های این روش می‌باشد.

طرح نمونه‌ای: هرگاه به دلیل محدودیت هزینه یا زمان نتوان از اجرای سرشماری به منظور تهیه و تولید آمار استفاده نمود، **اجرای طرح نمونه‌ای** یک راه حل می‌باشد. در طرح نمونه‌ای به جای بررسی ویژگی‌های مورد نظر در مورد تمام واحدهای جامعه، تعدادی از واحدهای جامعه به طور تصادفی انتخاب و زیرمجموعه‌ای از جامعه به عنوان نمونه تشکیل می‌گردد. سپس خصوصیات و ویژگیهای عناصر این زیر مجموعه (نمونه) مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل به کل جامعه تعمیم داده می‌شود. طرح‌های نمونه‌ای "هزینه و درآمد خانوار"، آمارگیری از نیروی کار و طرح آمارگیری از کاربران اینترنت از جمله طرح‌هایی هستند که به روش نمونه‌ای در کشور اجرا می‌گردند.

کاهش خطاهای غیرنمونه‌ای، کاهش هزینه، کاهش زمان جمع‌آوری و پردازش داده‌ها و وجود خطاهای نمونه‌ای از ویژگی‌های این روش محسوب می‌گردد.

آمارهای ثبتی: وجه مشترک سرشماری و اجرای طرح نمونه‌ای این است که هر دوی آنها با هدف تهیه و تولید آمار اجرا می‌شوند. به عبارت دیگر تنها هدف از اجرای سرشماری و طرح‌های نمونه‌ای، جمع‌آوری و ثبت داده‌ها به منظور تولید اقلام آماری است. ولی گاهی اوقات داده‌هایی وجود دارند که با هدف تولید آمار ثبت نمی‌شوند، ولی با پردازش آنها می‌توان صحیح‌ترین و کاربردی‌ترین اقلام آماری را تهیه نمود. این داده‌ها را اصطلاحاً **داده‌های ثبتی** می‌گوییم. به عبارت دیگر **داده‌های ثبتی**، داده‌هایی هستند که در حین انجام فعالیتهای عینی، واقعی و جاری دستگاه‌ها و دواير دولتی و موسسات و بنگاه‌های خصوصی با استفاده از فرم‌ها، نرم افزارها و ابزارهای مختلف ثبت و ضبط می‌شوند. به عنوان مثال سازمان ثبت احوال، به منظور صدور سند هویتی برای افراد، داده‌هایی را ثبت می‌کند. آموزش و پرورش به منظور ایفای وظیفه‌ی ذاتی خود یعنی ارائه آموزش مشخصات دانش‌آموزان را ثبت می‌کند.

مشخصات ثبت شده شده هر دانش‌آموز، داده‌های ثبت شده محسوب می‌شوند. داده‌های ثبتی دارای ویژگی‌هایی زیر هستند:

- صحت و دقت بسیار بالا

گفته شد که داده‌های ثبتی هنگام ارائه خدمت یا انجام فعالیتی توسط یک موسسه (دولتی و یا غیر دولتی) ثبت می‌گردند. به همین دلیل از ضمانت صحت بالایی برخوردار می‌باشند. در این موارد معمولاً اطلاعات با توجه مدارک ارائه شده ثبت می‌گردد و از همه مهم‌تر ثبت اطلاعات غیر واقعی معمولاً به زیان یکی از طرفین (خدمت گیرنده و یا خدمت دهنده) تمام خواهد شد و لذا احتمال ثبت داده‌های غیر واقعی به کمترین میزان ممکن می‌رسد. این در حالی است که در سرشماری‌ها و طرح‌های نمونه‌ای معمولاً داده‌ها بر اساس اظهار شفاهی پاسخگو ثبت شده و لذا احتمال ثبت داده‌های نادرست بسیار زیاد می‌باشد.

- هزینه کم و قیمت ارزان

با توجه به این که داده‌های ثبتی محصول فرعی فعالیت‌های دیگر محسوب می‌گردد بنابراین در عمل هزینه قابل توجهی برای ثبت و گردآوری آنها نمی‌شود، در حالی که سرشماری و طرح‌های نمونه‌ای صرفاً با هدف گردآوری داده‌ها طراحی و اجرا می‌گردند و این کار مستلزم صرف هزینه‌های گزاف و سرسام آور است.

- سهولت دسترسی

داده‌های ثبت شده معمولاً در یک بانک اطلاعاتی (فیزیکی و یا الکترونیکی) ذخیره شده و به سهولت می‌توان آنها را به منظور پردازش در اختیار داشت.

- قابلیت ارائه آمار و اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان ممکن

مرحله پردازش داده‌ها در فرآیند تولید آمار در مقایسه به گردآوری داده‌ها زمان زیادی را به خود اختصاص نمی‌دهد، لذا هنگام استفاده از داده‌های ثبتی اقلام آماری در کوتاه‌ترین زمان ممکن قابل ارائه می‌باشند.

- مستمر بودن ثبت داده‌ها و امکان تولید آمارها به صورت سری زمانی

در هر سرشماری یا طرح نمونه‌ای معمولاً در یک زمانی خاص مبادرت به ثبت داده‌ها می‌شود، به عنوان مثال سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در آبان‌ماه سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در کشور اجرا شده‌اند و لذا صرفاً آمارهای جمعیتی آبان‌ماه کشور در سالهای سرشماری تولید شده‌اند و اطلاعی از جمعیت کشور در بین سالهای بین دو سرشماری وجود ندارد ولی در صورت استفاده از داده‌های ثبتی می‌توان آمار مربوط به هر زمان را تولید و در اختیار داشت. برای روشن شدن بهتر این موضوع می‌توان سرشماری را به عکس‌برداری و استفاده از داده‌های ثبتی را به فیلم‌برداری از جامعه تشبیه نمود. عکس تصویر لحظه را داده و از تغییرات زمان بعد از عکس اطلاعی در دست نیست ولی در فیلم تغییرات قابل رصد خواهند بود.

باتوجه به ویژگی‌هایی که برای داده‌های ثبتی ارائه شد با اطمینان می‌توان گفت که آمارهای ثبتی که از پردازش داده‌های ثبتی حاصل می‌شوند بهترین و قابل اعتمادترین آمارهایی هستند که امکان تولید آنها تاکنون برای بشر فراهم شده است.

آمارهای رسمی: آمار نیز مانند هر محصول دیگر، توسط افراد و موسسات مختلفی تولید می‌گردد. ولی تنها آمارهایی قابلیت اتکاء خواهند داشت که فرآیند تولید و انتشار آنها فرآیندی صحیح و علمی باشد. در هر کشوری بر اساس قانون نهادی متولی تولید و انتشار آمارهای مورد نیاز برنامه‌ریزی و رصد نتایج حاصل از اجرای آنها است. این وظیفه در کشور ایران به عهده‌ی مرکز آمار ایران گذاشته شده است. آمارهای رسمی، آمارهایی هستند که از طریق مرکز آمار ایران منتشر می‌گردد. این آمارها یا توسط خود

مرکز آمار ایران تهیه می‌شوند و یا با اجازه و نظارت مرکز مذکور تهیه و با تایید نهایی آن منتشر می‌شوند.

۱-۲- بیان مساله و اهداف پژوهش

۱-۲-۱- بیان مساله

شاید بتوان گفت، بهترین تعریفی که از واژه مساله تاکنون ارائه شده است، تعریف زیر است:

"اختلاف، بین وضعیت کنونی یک موقعیت و آنچه باید باشد را مساله گویند."

در این پژوهش دو مساله به صورت خاص مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

(۱) وضعیت کنونی توسعه استان چهارمحال و بختیاری تا چه حد با وضعیت آرمانی و ایده‌آل تفاوت دارد؟

(۲) وضعیت موجود تولید آمارهای رسمی و ثبتی با وضعیت مطلوب تولید آمارهای رسمی و ثبتی مورد نیاز برنامه‌ریزی برای حصول توسعه پایدار تا چه میزانی تفاوت دارد؟

۱-۲-۲- اهداف پژوهش

در این طرح پژوهشی دو هدف عمده‌ی: الف) بررسی وضعیت توسعه یافتگی استان چهارمحال و بختیاری و ب) بررسی نقش آمارهای ثبتی و تحولات جمعیتی در توسعه پایدار استان چهارمحال و بختیاری از نظر طراحان موضوع پژوهش حائز اهمیت بوده است. برای این که در عمل بتوان به اهداف کلی پژوهش دست یافت، به استناد اهداف کلان، چهار هدف جزئی عملیاتی به صورت زیر در نظر گرفته شده است.

- بررسی و معرفی شاخص‌های توسعه یافتگی
- مقدار شاخص‌های توسعه یافتگی در استان چهارمحال و بختیاری

- بررسی اقلام آماری مورد نیاز برنامه ریزی جهت رسیدن به توسعه پایدار
- بررسی قابلیت تولید آمارهای مورد نیاز برنامه ریزی به روش ثبتی

۱-۲-۳- سوال های پژوهش

سوال های ویژه ای که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است عبارتند از:

- آیا استان چهارمحال و بختیاری از نظر شاخص های توسعه، در وضعیت مطلوبی قرار دارد؟
- اقلام آماری مورد نیاز برای تهیه و تدوین یک برنامه منسجم جهت حصول توسعه پایدار کدامند؟
- کدام یک از اقلام آماری مورد نیاز تهیه برنامه قابلیت تولید به روش ثبتی را دارا هستند؟
- موانع و مشکلات تهیه و تولید آمارهای ثبتی کدامند؟

۱-۳- پیشینه ی پژوهش

نقش و اهمیت آمار در برنامه ریزی و توسعه از دیرباز برای بشر معلوم و مکشوف بوده است. بر اساس اسناد تاریخی امپراطوری های بزرگ جهان در اداره ی حکومت از آمار استفاده می کرده اند. در امپراطوری ایران باستان نیز سرشماری های عمومی جمعیت برای دریافت مالیات سرانه و تعیین شماره ی مردان قادر به جنگ انجام می شده است. هرودوت، مورخ یونانی (۴۸۴-۴۲۵ قبل از میلاد) در تاریخ خود پیرامون دوره ی تاریخی هخامنشی ها می نویسد: (..... وقتی خشایار شاه از تنگه داردانل می گذشت، محلی مخصوص را برای سرشماری افراد قشون خود مناسب دید مقرر داشت تا ده هزار سپاهی شمارش شده در آن محل گردآیند، به نحوی که حتی المقدور به یکدیگر نزدیک باشند، سپس دستور داد دور این عده را خط بکشند. بعد از خروج آنان از داخل خط دیواری که بلندی آن تا کمر یک سپاهی برسد بر روی آن بنا کنند. چون حصار آماده شد، سپاهان گروه، گروه در آن داخل و خارج شدند تا مقدار آن ها معلوم گردد.....) هرودوت نتیجه این سرشماری را یک میلیون و هفتصد هزار نفر ذکر می کند.

شاه آمار در حقیقت نوعی آمارگیری به دستور شاهان هخامنشی برای تعیین مالیات سرانه بود، در زمان داریوش دفاتر مالیات و نظامی برای اولین بار تدوین شد. در زمان وی ایران به ۲۰ ایالت حاکم‌نشین تقسیم شد و در راس هر یک از آنها یک شهربان قرار داشت. برای تعیین خراج نقدی و جنسی هر ایالت، از زمین‌های زراعی برحسب مساحت، وضع آبیاری، جنس زمین و تعداد و مساحت باغات و اغنام و احشام آمارگیری می‌شد و اطلاعات آنان در دفاتری به نام قانون ثبت و به این ترتیب میزان مالیات هر ایالت تعیین می‌شد. زرتشتیان نوشته‌اند که در دوره‌ی انوشیروان، فقط مردان ۲۰ تا ۵۰ ساله بایستی مالیات می‌دادند. به این منظور روش خاصی برای تعیین مالیات‌دهندگان و تفکیک پیران و نوجوانان از یکدیگر ابداع گردید و ماموران سرشماری برای نخستین بار بجای " فرد " از مفهوم " خانوار " استفاده کردند. برای مثال تعیین می‌کردند که در یک خانوار ۱۲ نفری فقط باید ۲ نفر که سن آنها بین ۲۰ تا ۵۰ سال است مالیات بپردازند. پس از فروپاشی امپراطوری ایران تا زمان قاجار، افول استفاده از آمار و اطلاعات در مدیریت وجود داشته و در زمان قاجار مجدداً اقدامات پراکنده‌ای برای تهیه آمار به منظور مدیریت بهتر صورت پذیرفته است. اما در مورد آمارهای ثبتی تا قبل از سال ۱۲۹۷ هجری شمسی هیچ اقدام مشخصی قابل ذکر نیست. در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی به منظور سر و سامان دادن به آمار و اطلاعات جمعیتی کشور سندی مشتمل بر ۴۱ ماده در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب هیات وزیران رسید و اداره ای تحت عنوان اداره سجل احوال در وزارت داخله (هسته‌ی اولیه‌ی سازمان ثبت احوال کنونی) تشکیل گردید. این اداره اولین شناسنامه به شماره ۱ در بخش ۲ تهران در تاریخ ۱۶ آذر ۱۲۹۷ هجری شمسی به نام فاطمه ایرانی صادر نمود و به عنوان اولین مرجع رسمی ثبت داده‌های ذی قیمت جمعیتی کشور ایران پا به عرصه گذاشت. ۱۰ سال بعد از شکل‌گیری اداره‌ی سجل احوال یعنی در ۱۳۰۷ هجری شمسی قانون جدید ثبت احوال مشتمل بر ۱۶ ماده تصویب گردید و براساس این قانون **وظیفه جمع آوری آمارهای مختلف** نیز به اداره سجل احوال محول گردید، به همین جهت نام این اداره نیز به **اداره احصائیه و سجل احوال** تغییر یافت. در سال ۱۳۱۲ ه.ش. و به منظور ایجاد هماهنگی در تولید

آمار و اطلاعات در کشور نظام نامه شورای عالی احصائیه تنظیم و براساس ماده اول آن نظام نامه، نمایندگان همه وزارتخانه ها که در شورای مزبور عضویت داشتند موظف به جمع آوری و تحصیل آمار و اطلاعات لازم از تمام مبادی و منابع کشور شدند. شورای عالی احصائیه در سال ۱۳۱۴ ه.ش به شورای عالی آمار تغییر نام داد. طی آن سال ها، اداره کل آمار و ثبت احوال تنها به ثبت وقایع چهار گانه (تولد، فوت، ازدواج و طلاق) می پرداخت و توفیق چنثانی در تولید سایر اقلام آماری پیدا نکرد.

با توجه به این که در این سال ها تفکر برنامه ریزی برای توسعه در کشور شکل گرفته بود، وجود و در دسترس بودن اقلام آماری نیز به عنوان یک نیاز جدی احساس و در نتیجه این نیاز در سال ۱۳۳۱ ه.ش. «اداره آمار و سرشماری» به عنوان واحدی در زیرمجموعه اداره کل آمار و ثبت احوال آغاز به کار نمود. در تیرماه ۱۳۳۴، اداره آمار و سرشماری از اداره کل آمار و ثبت احوال منتزع و به «اداره آمار عمومی» تغییر نام یافت. در نهایت اداره ی آمار عمومی در سال ۱۳۴۴ با تغییر تشکیلات به "مرکز آمار ایران تبدیل" و وظیفه ی تولید و انتشار آمارهای رسمی را یافت و با توجه به اهمیت تحولات جمعیت تشکیلات ثبت احوال با تقویت خود مسئولیت صدور اسناد هویتی و ثبت و ضیط داده های مرتبط با جمعیت را عهده دار شد. سازمان ثبت احوال کشور با توجه به دارا بودن ارزشمندترین داده ای ثبت شده در کشور به عنوان یک دستگاه حاکمیتی بوده و به طور ادواری بر اساس داده های ارزشمندی که در اختیار دارد مطالعات متعددی در خصوص تحولات جمعیتی انجام و گزارش های متعددی منتشر نموده است که به عنوان نمونه به دو مورد از آنها بسنده شده است:

- مجموعه ی آمارهای جمعیتی کشور شامل تحلیل شاخص های جمعیتی ولادت، فوت، ازدواج و طلاق (تهیه و انتشار ادواری توسط سازمان ثبت احوال کشور)

- گزارش تحلیلی رویداد ولادت با تاکید بر شاخص های جمعیتی و بین المللی در سال ۱۳۹۰ (تهیه و تدوین توسط اداره کل ثبت احوال استان چهارمحال و بختیاری - شهریور ۹۱)

در سال‌های اخير در مورد آمارهای ثبتي و اهميت آنها نيز برخی مطالعات توسط مرکز آمار ايران و برخی پژوهشگران انجام و نتايج آنها در اختيار کاربران قرار دارد ولي جستجو در مورد سوابق پژوهش در مورد موضوع خاص مورد نظر ما يعني " نقش توليد آمارهای ثبتي و تحولات جمعيتي در توسعه پايدار استان چهارمحال و بختياري " نشان دهنده‌ی اين است که در اين مورد تا کنون تحقيق قابل توجهی در کشور انجام نشده است. ليکن در بررسيهای به عمل آمده پژوهش‌هایی با عناوين

- اهميت جمعيت شناسی در برنامه‌ريزی‌های آمایش سرزمين (پژوهشگر: فريبا زمانی- زمان انتشار پژوهش: ۱۳۸۸)

- جمعيت و توسعه پايدار در ايران (پژوهشگر: جواد اطاعت- زمان انتشار پژوهش: ۱۳۹۰)

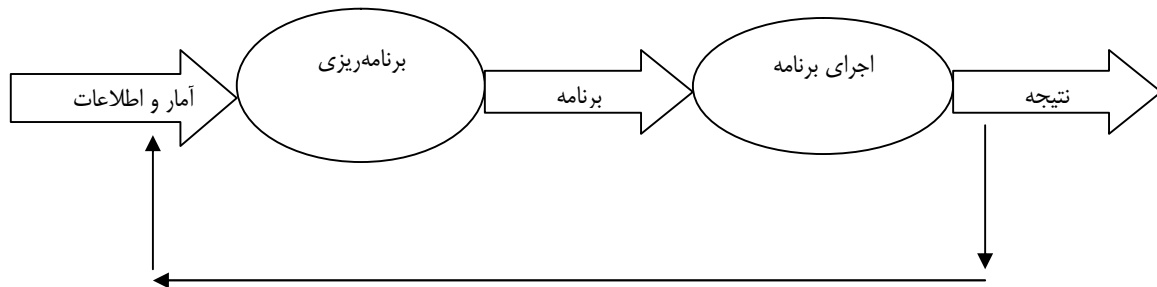
- بررسی روند تحولات جمعيت و نقش آن در آمایش و توسعه‌ی متوازن استان چهارمحال و بختياری ۱۳۶۵-۱۳۹۰ (پژوهشگر: سلیمان کیانی ده کیانی و همکاران: تاريخ انتشار پژوهش: ۱۳۹۵)

که از نظر موضوعی مشابهت با تحقيق مورد نظر را دارند در زمره‌ی سوابق اين پژوهش قابل ذکر می‌باشند.

۱-۴- نقش آمار در توسعه‌ی پايدار

با همه تفاوت‌هایی که در مفهوم "توسعه" وجود دارد، می‌توان گفت در تمامی نظريه‌ها و نگرش‌ها "توسعه‌یافتگی" فرآيند تحقق جامعه آرمانی، يا از بين بردن فاصله وضعيت کنونی جامعه با وضعيت مطلوب و آرمانی آن است. و از اين منظر، توسعه‌یافتگی محصول ایجاد تغيير در وضعيت موجود (و نه محصول انتظار ایجاد تغيير) محسوب می‌گردد.

برای تغییر مطلوب در وضعیت موجود کوتاه‌ترین و بهترین راه، برنامه‌ریزی است. در دید کلان شمای کلی فرآیند ایجاد تغییر و حصول توسعه یافتگی به صورت شکل زیر قابل نمایش است.



همانطور که شکل فوق نشان می‌دهد فرآیند ایجاد هر گونه تغییر به ویژه فرآیند ایجاد تغییر در راستای رسیدن به توسعه از دو بخش کلی تشکیل می‌گردد.

○ بخش اول: تدوین برنامه

○ بخش دوم: اجرای برنامه‌ی تدوین شده

درون‌داد (ورودی) فعالیت برنامه‌ریزی، آمار و اطلاعات و برون‌داد آن برنامه است. هر چه آمارهای مورد نیاز برنامه‌ریزی کامل‌تر و صحیح‌تر باشد امید به نتایج حاصل از اجرای برنامه بیشتر خواهد بود و لذا برای داشتن یک برنامه‌ی مناسب، قابل اجرا و منطبق با واقعیات داشتن آمار صحیح، دقیق و بهنگام از ضروری‌ترین نیازها است.

همان‌طوری که گفته شد، برنامه‌ریزی به منظور ایجاد تغییر در وضعیت موجود انجام می‌پذیرد. بنابراین برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوب می‌بایست:

(۱) وضعیت موجود را به درستی و به صورت جامع بشناسیم.

(۲) وضعیت مطلوب مورد نظر را ترسیم و مجسم کنیم.

(۳) راه‌حل‌های مختلف برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب را در نظر بگیریم.

۴) همه راه‌حل‌های مختلف پیشنهادی را تحلیل و از طریق مطالعه و شبیه‌سازی، هزینه و نتایج مثبت و منفی آنها را پیش‌بینی کنیم.

۵) از بین راه‌حل‌های مختلف، بهترین راه حل را برای اجرای نهایی انتخاب کنیم.

۶) راه حل انتخابی را اجرا و نتایج حاصله را ارزیابی کنیم.

اما بدیهی است که آمار جزء لاینفک هر یک از مراحل ۶ گانه فوق می‌باشد. بدون داشتن آمار، شناخت وضع موجود امکان‌پذیر نیست. بدون توجه به آمار وضع مطلوب و دلخواه شفاف و روشن نخواهد بود. بدون استفاده از آمار شبیه‌سازی مسیرهای پیشنهادی برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب غیر ممکن است و در نتیجه انتخاب بهترین راه حل نیز غیر ممکن بوده و در نهایت بدون داشتن آمار، ارزیابی راه حل منتخب و نتایج حاصل از اجرای برنامه انتخاب شده امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱-۵- جمعیت و توسعه پایدار

صرف نظر از نژاد، دین، رنگ پوست و سایر مولفه‌های تقسیم‌بندی، بیشتر فرزندان آدم پیرو "اصل آهنین منافع شخصی" می‌باشند. رفتارهای حساب‌نشده و غیر عقلانی بشر و مصرف بی‌رویه‌ی منابع (ناشی از اصل آهنین منافع شخصی) موجب گردیده تا خاک تخریب شود، تنوع بیولوژیکی کاهش یابد، آب و هوا آلوده شوند و در یک کلام اکوسیستم آسیب ببینند. به عبارت دیگر تقریباً تمامی صدمه و تخریب منابع طبیعی، علت انسانی دارد. فعالیت‌های انسانی با دو دلیل عمده‌ی "برداشت و استفاده از مواد اولیه و منابع از طبیعت" و "رها سازی ضایعات و پسماند در طبیعت" موجب تخریب و صدمه به منابع طبیعی می‌شوند. منابع طبیعی به دو گروه منابع تجدیدپذیر و منابع تجدید ناپذیر تقسیم می‌شوند.

براساس تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی پایدار، پایداری نوعی عدالت توزیعی است. توزیع عادلانه‌ی فرصت‌های توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده. بنابراین در فرایند توسعه‌ی پایدار لازم و ضروری است که

اولاً کیفیت زندگی بهبود یابد، در ثانی قابلیت زیست در کره‌ی زمین حفظ گردد. از همین روی می‌بایست مصرف منابع تجدیدپذیر حداکثر به اندازه‌ی ظرفیت تجدید پذیری منابع باشد و مصرف منابع تجدید ناپذیر مانند نفت، گاز، معادن و غیره به کمترین مقدار ممکن برسد. از سوی دیگر، پسماندهای تولیدی بشر اعم از پسماندهای جامد، مایع و گاز، در صورت عدم بازیافت جایی به جز دستگاه هاضمه‌ی طبیعت را ندارند. بنابراین برای پایداری توسعه میزان پسماندهای تولیدی رها شده در طبیعت نیز باید به اندازه‌ی باشد که هاضمه طبیعت قادر به تجزیه و استحاله‌ی آنها به مواد طبیعی باشد.

بخشی از الزامات حفظ تعادل در بهره‌گیری از طبیعت، با استفاده از ارتقای بهره‌وری و ارتقای تکنولوژی امکان پذیر است. اما ارتقای بهره‌وری تنها بخشی از مشکل را می‌تواند حل نماید. رابطه‌ی دو متغیر نیاز به منابع و میزان پسماند تولیدی با متغیر جمعیت رابطه‌ای مستقیم با ضریب همبستگی خیلی زیاد می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش جمعیت منابع و مواد اولیه مورد نیاز و میزان پسماند تولیدی افزایش می‌یابد. بنابراین ضروری‌ترین اصل در توسعه‌ی پایدار، تعادل بین جمعیت و استعدادهای محیط زیست است.

با توجه به توضیحات مطروحه در سطور فوق، آمارهای جمعیتی و تحولات جمعیت از مهمترین مولفه‌ها در توسعه‌ی پایدار بوده و بدون توجه به تعداد کل جمعیت، ترکیب سنی و جنسی و تحولات جمعیتی برنامه‌ریزی برای حصول توسعه‌ی پایداری امری غیر ممکن خواهد بود.

۱-۶- تاریخچه برنامه‌ریزی در ایران

مفهوم برنامه‌ریزی به طور رسمی برای اولین بار در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در اسناد دولتی ایران درج گردید. در سال ۱۳۱۶ شورایی به نام شورای اقتصادی تشکیل و مهمترین وظیفه‌ی این شورا " طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه طریق در اجرای آنها" معرفی می‌گردد. شورای اقتصاد در مهرماه ۱۳۱۶ تشکیل یک کمیسیون دائمی با وظیفه تهیه برنامه‌ی افزایش ظرفیت تولیدی کشور را تصویب نمود.

کمیسیون مذکور پس از تشکیل مبادرت به تهیه برنامه‌هایی از جمله تهیه برنامه‌ی هفت ساله کشاورزی نمود.

پس از این دوران دولت‌مردان و مدیران وقت کشور به فکر تهیه‌ی برنامه‌هایی به منظور نیل به توسعه افتادند. در این بخش سیر تحول تهیه و تدوین برنامه در ایران به طور مختصر ارائه شده است.

برنامه‌ی عمرانی هفت ساله اول کشور (۱۳۲۷-۳۴):

در فروردین ۱۳۲۵ هیئتی با نام "هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور" ایجاد گردید که از نظر تشکیلاتی تابع وزارت دارایی وقت بود. این هیات گزارشی با عنوان برنامه هفت ساله عمرانی و اصلاحی کشور تقدیم نخست وزیر کرد که در واقع پیش‌نویس لایحه‌ای بود که دولت در اردیبهشت ۱۳۲۷ با عنوان برنامه‌ی اول هفت ساله‌ی عمرانی کشور تقدیم مجلس نمود.

در تاریخ ۱۳۲۷/۷/۵ "اداره دفتر کل برنامه" تاسیس گردید. این اداره که هسته‌ی اولیه سازمان برنامه کشور بود و بعداً به سازمان موقت برنامه تغییر نام داد توانست اولین برنامه‌ی هفت ساله عمرانی کشور را در تاریخ ۱۳۲۷/۱۱/۲۶ به تصویب مجلس شورای ملی برساند. و بدین صورت اولین برنامه "با هدف تحقق توسعه" در ایران شکل قانون به خود گرفت. ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روند اجرای برنامه عمرانی هفت ساله اول را تحت تاثیر قابل توجهی قرار داد.

برنامه‌ی عمرانی هفت ساله دوم کشور (۱۳۳۴-۴۱):

در اوایل دهه‌ی چهل شمسی سازمان برنامه کشور تحت مدیریت آقای ابتهاج انجام وظیفه می‌کرد. آقای ابتهاج که سابقه سفیری ایران در فرانسه را داشت و با برنامه‌های توسعه‌ای آشنایی داشت با دعوت از شصت نفر از اقتصاددانان، مهندسان و حقوق‌دانها، لایحه عمرانی دوم را تهیه و در آبان ماه ۱۳۳۴ به مجلس ارائه نمود. در اسفندماه ۱۳۳۴ لایحه مذکور به تصویب مجلس رسید. افزایش تولید به

منظور تامین ما یحتاج مردم و صادرات، ترقی کشاورزی، ترقی صنایع، اکتشاف و بهره برداری از معادن، اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطی و اجرای هر نوع عملیات برای عمران کشور و ارتقاء سطح فرهنگ و بهبود وضع معیشت عمومی از اهداف این برنامه محسوب می‌شد. آنچه در مورد برنامه دوم عمرانی قابل توجه است، توجه و شیفتگی متولیان تدوین برنامه به رشد اقتصادی بوده است. در مصاحبه‌ای که فرمانفرمایان (از متولیان تدوین این برنامه انجام داده است می‌خوانیم: " البته‌هاج شیفته‌ی رشد اقتصادی بود. ما همگی شیفته رشد اقتصادی بودیم. نه آنکه از لزوم بهبود... سطح زندگی توده‌ها، مبارزه با بیکاری پنهان و توزیع عادلانه درآمد غافل باشیم... منتها می‌گفتیم تا رشد نباشد، چیزی برای توزیع نخواهد بود. اکنون که به گذشته برمی‌گردیم با خود می‌گوییم... شاید از همان ابتدا می‌بایستی به مساله توزیع درآمد و بیکاری نیز توجه می‌کردیم."

از نظر بسیاری از کارشناسان، برنامه‌های اول و دوم عمرانی کشور از نظر اتکاء به آمار، برنامه‌های ضعیفی بودند. این ضعف از یک سو ناشی از آمار و اطلاعات در زمان تدوین برنامه و از سوی به دلیل وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن زمان کشور بوده است. در آن زمان کشور به منزله‌ی یک بوم نقاشی سفیدی بود که در هر جای آن امکان ترسیم تصویری وجود داشت. به همین دلیل برنامه‌های اول و دوم در عمل فهرستی از طرح‌های مختلف بودند.

علاوه بر برنامه‌های عمرانی اول و دوم، چهار برنامه‌ی دیگر قبل از انقلاب تهیه و برنامه‌های سوم تا پنجم اجرا شدند ولی به دلیل تقارن زمان اجرای برنامه ششم با سالهای انقلاب اسلامی در ایران، برنامه مذکور فرصت عملیاتی شدن را پیدا نکرد.

به منظور اختصار در معرفی برنامه‌ها، برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب در جدول ۱ زیر خلاصه

شده است

جدول ۱-۱: فهرست برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران

عنوان برنامه	تاریخ آغاز	تاریخ پایان	مدت برنامه	هدف گذاری کمی
برنامه‌ی عمرانی اول کشور	۱۳۲۷/۷/۱	۱۳۳۴/۶/۳۱	۷ سال	بدون هدف کمی
برنامه‌ی عمرانی دوم کشور	۱۳۳۴/۷/۱	۱۳۴۱/۶/۳۱	۷ سال	بدون هدف کمی
برنامه‌ی عمرانی سوم کشور	۱۳۴۱/۷/۱	۱۳۴۶/۱۲/۲۹	۵/۵ سال	رشد اقتصادی ۶٪ در سال
برنامه‌ی عمرانی چهارم کشور	۱۳۴۷/۱/۱	۱۳۵۱/۱۲/۲۹	۵ سال	رشد اقتصادی ۹/۴٪ در سال
برنامه‌ی عمرانی پنجم کشور	۱۳۲۷/۱/۱	۱۳۵۶/۱۲/۲۹	۵ سال	رشد اقتصادی ۱۱/۲٪ در سال
برنامه‌ی عمرانی ششم کشور	۱۳۵۷/۱/۱	۱۳۶۱/۱۲/۲۹	۵ سال	این برنامه اجرا نشد.

برنامه‌ی عمرانی سوم کشور (۱۳۴۱-۴۶):

با تجربه‌ای که کشور در برنامه‌های قبلی داشت، برنامه‌ی سوم تهیه و تدوین گردید. برنامه سوم از

جهت زیر با برنامه‌های قبلی تفاوت داشت.

الف) برای تهیه این برنامه برخی از آمارهای مورد نیاز مانند آمارهای جمعیتی حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ در اختیار متولیان برنامه‌ریزی قرار داشت.

ب) در این برنامه سعی شده بود تا تمام منابع و اهداف احصاء و برابر هم قرار گیرند و برنامه‌ای تدوین گردد که اهداف منتخب منطبق با منابع موجود باشد.

ج) کارهای اجرایی به دستگاه‌های اجرایی سپرده شد.

د) مدت برنامه با این استدلال که پیش‌بینی برای مدت هفت سال دشوارتر از دوره‌ی پنج ساله است، به ۵ سال (و هنگام عمل به ۵/۵ سال) کاهش یافت.

ه) برنامه در سه سطح کلان، بخش‌ها و طرح‌ها تهیه شده بود و در سطح کلان رشد اقتصادی سالانه ۶٪ برای کشور تعیین شده بود.

و) برنامه دارای اهداف درجه دومی مانند توسعه اشتغال، توزیع عادلانه درآمد و ایجاد امکانات برای به کار گرفتن استعداد های فردی بود. این اهداف ثانویه با اولویت داشتن فعالیتهای اشتغالزا (مشروط به تاثیر یکسان در رشد) تامین می شد.

ز) با توجه به تولید برخی آمارها در کشور، گزارش برنامه شامل تحلیل وضع موجود، برآورد نیازها و تعیین اهداف کمی و راهکارهای نیل به اهداف بود.

با توجه به جامعیت نسبی روش برنامه سوم، این روش تقریباً در همه برنامه های بعدی قبل از انقلاب و حتی تا برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب رعایت شده است.

برنامه ی عمرانی چهارم کشور (۵۱-۱۳۴۷):

این برنامه از لحاظ روش و ساختار مشابه برنامه سوم بود و اهداف کلان زیر برای آن پیش بینی

شده بود:

- تسریع رشد اقتصادی (رسیدن به رشد اقتصادی سالانه ۹٪)
- توزیع عادلانه تر درآمد از طریق کار و گسترش خدمات اجتماعی و رفاهی
- کاهش نیاز به واردات، رفع نیازهای اساسی در داخل کشور و توجه به بهره‌وری
- تنوع بخشی به اقلام صادراتی
- تحول در نظام اداری با هدف بهبود خدمات اداری

برنامه ی عمرانی پنجم کشور (۵۷-۱۳۵۲):

برنامه عمرانی پنجم در اسفندماه سال ۱۳۵۱ به تصویب رسید. در این برنامه رشد اقتصادی ۱۱/۲ درصد پیش بینی شده بود اما با توجه به افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای کشور مورد بازنگری قرار گرفت و در بازنگری رشد ۲۵/۹ درصد هدف گذاری شد. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، کشور در خلال سالهای اجرای این برنامه رشد ۱۳٪ را تجربه کرده است که اگرچه با هدف بازنگری شده فاصله دارد اما رشدی مطلوب بوده است.

برنامه‌ی عمرانی ششم کشور (۶۱-۱۳۵۷):

تدوین برنامه ششم از ۱۳۵۵ شروع شده است. در این برنامه برای اولین بار مقرر شد زیر نظر مقامات استانی و با نظارت دفتر برنامه‌ریزی، برنامه‌های استانی نیز تهیه شود. آینده‌نگری ۱۰ ساله برای یافتن چشم‌انداز بلند مدت توسعه‌ی کشور به نحوی که برنامه ۵ ساله قسمت اول از آن باشد یکی از ویژگی‌های برنامه ششم بود. برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن آمایش سرزمین با هدف ایجاد توازن و تعادل در توزیع فعالیتها میان مناطق مختلف کشور و ایجاد کانون‌های جدید توسعه به منظور پیشگیری از فشار جمعیت به شهرهای بزرگ، به ویژه شهر تهران از دیگر ویژگی‌های برنامه ششم بود. برنامه ششم با توجه به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران فرصت اجرا پیدا نکرد.

پس از انقلاب از اواسط سال ۱۳۵۸ کارشناسان سازمان برنامه و بودجه به فکر تهیه یک برنامه ۵ ساله افتاده و آن را آماده کردند. ولی با توجه به جو حاکم بر کشور، درگیری با جنگ این برنامه و معدود برنامه‌های بعد از آن راه به جایی نبردند و تا سال ۱۳۶۸ برنامه‌ی توسعه‌ای در کشور وجود نداشت. ولی از ۱۳۶۸ به بعد، مجدداً با توجه به ضرورت به ریل برنامه‌ریزی رجعت نمود.

برنامه‌ی اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲-۱۳۶۸):

پس از خاتمه جنگ تفکر برنامه‌ریزی و حرکت بر مبنای برنامه مجدداً احیاء شد. در پی احیای تفکر برنامه‌ریزی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس رسید. هدفهای برنامه اول به صورت زیر قابل فهرست می‌باشند:

- بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی کشور
- بازسازی و نوسازی ظرفیتهای تولیدی و زیربنایی خسارت دیده از جنگ
- گسترش فرهنگ عمومی و علوم و فنون
- رشد اقتصادی (متوسط رشد سالانه ۸/۱ درصد)
- افزایش اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تاکید بر خودکفایی محصولات کشاورزی

- تامین عدالت اجتماعی
 - تامین حداقل نیازهای اساسی مردم
 - اصلاح الگوی مصرف
 - اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی
 - حمایت از آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی
 - سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت متناسب با مزیت و استعدادها (مناطق به جز مواردی که ملاحظات سیاسی و نظامی دخیل باشد).
- این برنامه را می‌توان در زمره‌ی برنامه‌های موفق از نظر عملکردی ارزیابی نمود. لازم به ذکر است برنامه اول تا سال ۱۳۷۴ تمدید گردید.

برنامه‌ی دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۴):

- برنامه دوم بعد از انقلاب در آذرماه ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. موارد زیر نشان دهنده‌ی اهداف کلان این برنامه می‌باشند:
- عدالت اجتماعی
 - رشد فضائل اخلاقی و اسلامی در جامعه
 - هدایت جوانان و نوجوانان
 - افزایش بهره‌وری
 - تربیت نیروی انسانی
 - رشد و توسعه‌ی پایدار
 - اصلاح ساختار نظارتی اجرایی و قضایی
 - کاهش وابستگی به نفت
 - حفظ محیط زیست

- تقوین بنیه دفاعی
- عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی
- ایجاد تعادل بین سه بخش اقتصاد یعنی بخش‌های تعاونی، خصوصی و دولتی
- اهمیت به تحقیق و پژوهش

برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹):

برای تهیه برنامه سوم توسعه، ابتدا سازمان برنامه و بودجه کشور گزارشی با عنوان "نظام برنامه ریزی برنامه سوم" تهیه نمود. در این گزارش برای تهیه برنامه سوم سه مرحله در نظر گرفته شده بود.

مرحله اول شامل بررسی عملکرد گذشته، تبیین وضع موجود، مشکلات و تنگناها و نقاط قوت و ضعف ساختاری - تهیه چشم‌انداز بلند مدت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کشور-ارائه گزینه‌های مختلف و پیشنهاد گزینه مطلوب - رهنمودهای کلی برنامه سوم

مرحله دوم شامل تدوین برنامه‌های عملیاتی رهنمودهای کلی برنامه - تدوین سیاستهای اقتصاد کلان و سیاستهای استراتژیک بخشی - تهیه طرح مبنایی آمایش سرزمین - تهیه چارچوبهای تمرکز زدایی و تفویض اختیار از پایتخت به مراکز استان‌ها- نهایی کردن تصویر روند مطلوب - تدوین لایحه برنامه سوم

مرحله سوم شامل تدوین برنامه‌های بخشی و استانی و جهت گیری‌های آمایشی.

با طی مراحل مقدماتی تهیه برنامه در دولت و بررسی مجلس در نهایت برنامه سوم در تاریخ ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ به تصویب مجلس رسید. رسیدن به متوسط رشد اقتصادی سالانه ۶٪ از اهداف برنامه سوم بود که این هدف تقریباً دو برابر رشد اقتصادی محقق در خلال سالهای برنامه دوم محسوب می‌گردد.

برنامه‌ی چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۹-۱۳۸۴):

پس از برنامه سوم برای کشور چشم‌انداز ۲۰ ساله تهیه شد و لذا در واقع برنامه چهارم می‌بایست یک برنامه میان‌مدت از چشم‌انداز ۲۰ ساله تلقی می‌شد. بر این اساس برنامه چهارم توسعه دارای چهار هدف کلی بود:

- توسعه دانش پایه، عدالت محور و در تعامل با جهان
- تامین امنیت ملی و بازدارندگی همه جانبه
- صیانت از هویت و فرهنگ ایرانی-اسلامی
- استقرار دولت شایسته و حاکمیت موثر

لازم به ذکر است که جهت‌گیری برنامه سوم در راستای تمرکززدایی و برنامه‌ریزی استانی در برنامه چهارم نیز مد نظر قرار گرفته بود.

برنامه‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۹۴-۱۳۹۰):

در روزهای پایانی سال ۱۳۸۹ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مجموعه‌ای را تحت عنوان "برنامه پنج ساله پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران منتشر کرد. این مجموعه شامل سه بخش بود.

بخش اول سند چشم‌انداز و سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را پوشش داده بود. بخش دوم قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه در قالب ۹ فصل، ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره را شامل می‌شد و بخش سوم عنوان قوانین و مقررات تنفیذی و ارجاعی در قانون برنامه پنجم را به خود اختصاص داده بود. برنامه پنج در عمل تا پایان سال ۱۳۹۵ در جریان بود.

برنامه‌ی ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶):

پس از احیای سازمان برنامه و بودجه در دولت یازدهم، سازمان مذکور با استفاده از تجربیات کارشناسان خود اقدام به تهیه برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران نمود. این برنامه در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به قانون تبدیل شد. قانون مذکور مشتمل بر ۱۲۴ ماده است. این برنامه رویکردی کل نگر و جامع داشته و در متن آن دولت مکلف به اجرا و یا تهیه و اجرای بسیاری از اسناد توسعه‌ای عملیاتی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانی- اسلامی، سند ملی کار شایسته، سند آمایش سرزمین ملی و استانی اسناد توسعه‌ای استانی، سند آمایش، سند ملی راهبرد انرژی کشور مصوب شورای عالی انرژی کشور، سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیرمجاز، سند تحول و نقشه جامع علمی کشور، سند راهبردی کشور در امور نخبگان، سند مهندسی فرهنگی، سند راهبردی توسعه گردشگری و سند جمعیت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی شده است.